

اروپا هم برابر این شبکه‌ها موضعی نداشته باشد و ژست‌های حقوق‌ی‌اش را جلوی تابلوی تحریم پرس‌تی‌وی بگیرد.

اظهار نظرهای مداخله‌جویانه

آیا اتحادیه اروپا آگاه نیست که مجموعه اقدامات حمایت‌گرانه از مجراهایی که پیشتر نمونه‌هایی از آن ذکر شد و اظهار نظرهای مداخله‌جویانه مقامات بلندپایه اروپایی و...، گرچه از پشت نقاب فریبنده دموکراسی و لسان‌دوستی، در واقع ولی به تمامی در تنقض روشن با مسئولیت‌های بین‌المللی تک‌تک اعضای این اتحادیه و کلیت این ساختار منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم و خشونت‌طلبی است؟ آیا اتحادیه اروپا نمی‌داند کمترین کار متوقع از شبکه‌ای چون پرس‌تی‌وی، در این وضعیت ایران که آماج جنگ شناختی همه‌جانبه در جبهه رسانه‌های سنتی و نوین و تاکتیک‌های ترکیبی از اعزام لیدرهای مجهز به آموزش‌های تروریستی و براندازانه، تا حمله تروریستی و لشکر کشی گسترده سایبری و... است، این است که به خیابان‌های تهران برود و واقعیت زندگی عادی مردم پایتخت را نشان بدهد که آشوب‌های مقطعی و کم‌حجم مانع از فعالیت و کار و زندگی آنان نیست؟

پرس‌تی‌وی، نباید صدای اقشار عظیم ملت ایران را که با اغتشاشگران هم‌نوا نشده و به درگیری‌ها دامن نمی‌زنند، به جهان برساند؟ پرس‌تی‌وی نباید صدای این بخش اکثریت و غالب مردم ایران باشد که رسانه‌های متحد جناح مقابل آنان را «بی‌صدا» می‌خواهند و هرگز در قلب خود تصویری از آنان منعکس نمی‌کنند؟ پرس‌تی‌وی نباید «صدای» این «بی‌صدایان» در ترحم و غوغا فکری رسانه‌های زیر چتر اروپا و آمریکا و سعودی باشد؟

رفتار دوگانه غرب

پرس‌تی‌وی برخلاف آنچه در بیانیه اتحادیه اروپا و وزارت خزانه‌داری آمریکا تحت‌عنوان بخش «اعتراضات اجباری بازداشت‌شدگان» ذکر شده، هیچ‌گونه اقدامی که چنین عنوانی بر آن اطلاق شود، نکرده و این خطای فاحش محاسباتی نیز، سبلی بودن این اقدام را مهر تأیید دوباره می‌زند.

حقیقت این است که هر چیزی که مخل منویات و چهره بزرگ‌کرده این قهرمان پوشالی باشد که در آستین «زمستان سرد» شان، در اوج معضلات اقتصادی و اجتماعی دست و پا می‌زنند و نمی‌توانند پاسخگوی مطالبات مردم خودشان باشند، باید به بدترین شکل ممکن منکوب شود، به این امید که شاید ترتیب‌دادن چنین نمایش‌های فریبنده حمایت از حقوق بشر، برای مدتی خوراک رسانه‌های جریان مسلط را برای شان فراهم سازد و از دیگر سو، به مثابه عملیات ایدایی مکمل سیاست‌های ضد ایرانی‌شان عمل کند.

از آغاز اغتشاشات در ایران، این اولین‌بار خود از این نوع نیز نبوده و پیش‌تر، این کانادا بود که پرس‌تی‌وی را با همین بهانه‌ها تحریم کرد. تحریم‌های اعمال‌شده علیه پرس‌تی‌وی با هدف از بین بردن آزادی بیان و دیدگاه‌های جایگزین است. اینکه بر نقش پرس‌تی‌وی در جریان بازتاب تأرا می‌های اخیر تأکید شده، از آن روست که این شبکه تلاش زیادی برای مقابله با روایت‌های جعلی رسانه‌های غربی انجام داده و تصویری که از ایران و معادله ساده و در کشدنی کوشش قدرت‌های بیگانه برای بازآوردن ایران مقاوم و نماد مقاومت غرب آسیا بازتاب داده، آن چنان واقعی، خدشه‌ناپذیر و ردنکردنی است که خشم‌گرفتن و ناخرسندی نهادهای چون اتحادیه اروپا یا وزارت خزانه‌داری آمریکا را کملاً متصور می‌سازد.

در پایان باید گفت برای شبکه‌ای چون پرس‌تی‌وی که در مقیاس شبکه‌های بین‌المللی مشابه و رقیبش، از عده و عده برابری برخوردار نیست و مراحل گوناگون چندین سال مسدودسازی حساب‌های کاربری‌اش در پلتفرم‌های اجتماعی مختلف را پشت سر گذاشته؛ ولی همچنان سرباست و فعالیتش به‌رغم تأثیرپذیری غیرقابل انکار از تحریم‌های چنددهه‌ای تحمیل‌شده بر جمهوری اسلامی ایران، آن قدر نفوذ و اثر گذار است که با برخوردی نظیر تحریم از سوی اتحادیه اروپا رویه رومی‌شود، رویارویی با این تحرک جدید هم بیشتر تقویت‌کننده انگیزه‌های درونی است تا تضعیف‌کننده و متوقف‌کننده. همان‌گونه که پیمان جبلی، نیز در واکنش بدان گفت: بار اول نیست که غرب برخلاف ادعای آزادی بیانی عمل می‌کند که به عنوان یک امتیاز برای خودش قائل است. آنان حتی حضور حداقلی شبکه پرس‌تی‌وی را هم نمی‌توانند تحمل کنند که در عرصه‌ای نابرابر با رقبای قدرتمندی رقابت می‌کند که از پشتیبانی بسیاری برخوردارند. شبکه‌های بیرون‌مرزی ایران چون تجربه و آمادگی لازم را دارند، حتماً از این وضعیت نیز عبور خواهند کرد.



تملیت اکثریت تاهمسو با اغتشاشگران ایران در داخل مرزهای این کشور می‌گویند، دقیقاً در پر توهمین حمایت‌گران حقیقی و حقوقی خارجی فعالیت می‌کنند که اتحادیه اروپا و حاکمیت آمریکا هم بخشی از آن‌اند. حالشما می‌تواند کلی این حرکت و وضوح یافته و همه می‌دانند برای آمریکا و اتحادیه اروپا رضایت‌بخش آن است که با سکوت معنادار و یا اقدامات مثلاً محدودکننده خود ضد پرس‌تی‌وی، از شبکه‌هایی مثل ایران اینترنشنال حمایت کنند تا تصویری واژگون و اغراق‌شده و دروغین از واقعیت آنچه در ایران در جریان است، نشان بدهند.

جنابات تروریستی

این روند در ادامه به حمله تروریستی گروهبان‌های و کشتار غیرنظامیان در اهواز رسیده که این بار ایران اینترنشنال باز یگر اصلی‌اش شد و به‌رغم قولین بین‌المللی رسانه‌ها و برخلاف امرنامه منتشرشده در وبسایتش که خود را مازم به رعایت قوانین رسانه‌ای انگلیس معرفی کرده است، با حمایت از تروریست‌ها و تریبون دادن ذوق‌زده به آنان نه فقط با روی عرف بین‌المللی روزنامه‌نگاری و ادعاهای رایج حقوق‌ی‌شری و...، که با روی قوانین آفکام (سازمان تنظیم کننده مقررات رسانه‌ای انگلیس) گذاشت؛ همان آفکامی که قبل‌تر پرس‌تی‌وی را مورد حمله قرار داده بود اما چشم روی تخلف عیان ایران اینترنشنال بست، حال آن که طبق قوانین رسانه‌ای آفکام، تولید هر گونه محتوایی که مستقیم یا غیرمستقیم منجر به کنش مجرمانه یا بی‌نظمی شود و همچنین اشکالی از خبر که باعث تشویق یا تبلیغ به حضور در فعالیت‌های تروریستی یا اقسام دیگر اعمال مجرمانه و هنجارشکن‌شود، ممنوع است.

حالا هم طبیعی است که نه فقط آفکام، عمل به نقاط ثقل ماتیفست خودش را به فراموشی بسپارد و واکنشی نسبت به حجم عظیم فعالیت رسانه‌ای این شبکه‌های ضد ایرانی نکند که اتحادیه

از اتفاقات چند هفته گذشته ایران را سسد کند. دوروز بعد، وزارت خزانه‌داری آمریکا، نام احمد نوروزی، معاون بیرون‌مرزی و رئیس شبکه پرس‌تی‌وی و نیز یوسف پورانوری، مدیر برتلمه‌های این شبکه را در کنار پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، محسن برمهانی، معاون سیما و آمنة سادات فیج‌پور و علی رضوانی از خبرنگاران شناخته شده این سازمان را به عنوان فهرست شش نفره مشمول تحریم‌های جدید اعلام کرد.

دلایل این اقدام مذبوحانه، بیش از هر چیز، به آن بازمی‌گردد که شبکه پرس‌تی‌وی و نیز اسامی اعلام‌شده، در افشا و شکست نقشه جبهه متحد غرب به رهبری آمریکا، برای براندازی در ایران، ناامن کردن منطقه و ایجاد گسست در جبهه مقاومت نقشی بارز داشته‌اند.

بر این اساس، همان‌طور که مجموعه صداوسیما، شخص پیمان جبلی، بالاترین مدیر آن و دیگر مدیران و خبرنگاران این سازمان هرگز به محال بودن چنین واکنش‌هایی نمی‌اندیشیدند، برای پرس‌تی‌وی، هم این اتفاق نه غیرمنتظره بود و نه مأیوس‌کننده. اعلام رسمی دومین بسته تحریمی اتحادیه اروپا و بسته جدید تحریمی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده علیه اشخاص و نهادهای ایرانی از ابتدای اغتشاشات در ایران که این بار شبکه خبری انگلیسی‌زبان پرس‌تی‌وی را به شکلی پر دامنه هدف گرفته، آن قدرها که تصور می‌شد، گرداندگان تحرکات اخیر ضد ایرانی را نیز خوش حال نکرد.

واقعیت این است که تجربه چنین رویکردهایی آن قدر تکراری شده که دیگر هیچ‌کس را شوکه نمی‌کند؛ به‌خصوص که این بار دم خروس دست‌اندر کاران و حامیان خارجی آشوب‌های اخیر در ایران چنان باورنکردنی شده و آن‌ها آن اندازه آشکارا در میدان معارضة حاضرند که نیازی به بیان و یادآوری ندارد. خیل رسانه‌های معاند فارسی‌زبان و غیرفارسی‌زبان که از اواخر شهر یور تاکنون، مدام بر طبل خشونت‌ورزی علیه جان، امنیت و